



نظریهٔ پخش^(۱) جغرافیایی و سیره نبوی

به مناسبت سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اسماعیل شاهکویی

دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای طبیعی
و دبیر آموزش و پرورش گرگان

چکیده

پخش به مفهوم انتشار، گسترش، پراکندگی و بهم آمیختگی است. هاگراستراند^(۲) شش عامل حوزه یا محیط، زمان، موضوع، مبدأ و مقصد و مسیر حرکت خاستگاه پدیده‌ها و نوآوریها از عوامل مؤثر و اصلی در تحلیل روند فضای جغرافیایی تئوری تراوش می‌داند.

بررسی پخش جغرافیایی سیره نبوی می‌تواند ما را در زمینه شناخت شرایط خاستگاه و کیفیت پخش این سیره در مقاطع زمانی باری دهد. انتشار گسترده دعوت اسلامی و سیره نبوی و شیوه زندگی پیامبر گرامی اسلام در شبه جزیره عربستان و سپس به دیگر نقاط عالم در قرون اولیه تمدن اسلامی از نظر جغرافیدانان مسلمان و غیر مسلمان به عنوان یک پدیده خاص فرهنگی شناخته می‌شود. این تفکرهایی پخش، بشر عصر جاهلیت را متحول کرد و به فرموده امام علی علیه السلام: «در آن دوران ملت‌ها در خوابی عمیق فرو رفته بودند، تنه و فساد، در مجرای راه‌انداختن هرج و مرج، جهان را فرا گرفته بود، کارهای خلاف میان مردم منتشر شده و امور زندگی از هم گسیخته بود، آتش جنگها زبانه می‌کشید، دنیا بی‌نور و پر از تیرنگ گشته بود، برگ‌های درخت زندگی به زردی گرایده، از نمره خیری نبود، آب حیات انسانی به زمین فرو رفته و نشانه‌های هدایت به کهنگی گرایده بود، در چمهای هلاکت و بدبختی آشکار شده بود، دنیا با چهره زشت و کر به با اهلش می‌نگریست و خشم آلود با طالبانش روبه رومی‌شد. میوهٔ دنیایی آن روز فتنه و غذایش مردار بود. در درون وحشت اضطراب و در بیرون شمشیر حکومت می‌کرد.»^(۳)

اسلام در مدت اندکی قلب بیشتر شبه جزیره عربستان و مردم جهان خصوصاً ایران زمان ساسانیان و روم را تسخیر کرد. ظهور اسلام در عربستان، برای دو کشور ایران و روم نیز به منزله دروس نو آسمانی و فلسفه‌هایی از عدالت و پرهیزکاری علیه ستمگری و پیداد بود که مانند آب‌های خنک و گوارایی در دل تشنه افراد آن در مغز متفکر جویندگان آن‌ها جایگزین گردید.

این فکر و احساس چنان در دل مردم آن کشورها رسوخ کرد که برای انداختن حکومت‌های خودشان با پرچم داران آیین اسلامی هم‌آواز و هم‌فکر شدند و آثار این غلبه معنوی امروزه که یک هزار و چند صد سال از آن ظهور می‌گذرد، در خانه یکایک ملت‌های ایمان آورده برقرار است.^(۴)

امروز انتشار و پخش آموزه‌های اسلامی به ویژه سیره نبوی در سطح جهان و نظام بین‌المللی می‌تواند تغییراتی اساسی ایجاد کند. موضوعات اخلاقی و عاطفی و خانوادگی در دنیای معاصر در عرصه‌های مختلف بی‌نهایت به ابتدال کشیده شده است، نشر تفکرات ناسالم از طریق ماهواره‌ها، شبکه‌های اینترنت، مجلات و روزنامه‌ها و پخش انواع CD و DVD‌های مبتذل خود نوعی پدیده انتشار محسوب شده که سپاه جهل با استفاده از این ابزارها بنیان‌های اخلاقی را در جوامع اسلامی و غیر اسلامی مورد

حجوم قرار می‌دهد. بنابراین جغرافیدانان مسلمان وظیفه دارند با استفاده از تفکر جغرافیایی (پخش و انتشار) اخلاق و رفتار پیامبر اعظم (ص) را که رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ هست در فرهنگ جهانی گسترش داده و از رسانتهای توحیدی ناب و خالص دفاع جاناتانه به عمل آورند زیرا جاذبه معنوی سیره و آیین محمدی (ص) بوده که نفوذ و انتشار اسلام را در هر کوی و برزنی به ویژه در قلبهای پاک جوانان و محرومان، نوید می‌داد.

نور عبادت پیامبر اعظم (ص) در غار حرا، اکنون بعد از چندین قرن در کل زمان و مکان به گستره جغرافیای جهان پراکنده شده است و نور افشانی می‌کند و مشعل و چراغ هدایت مسلمانان و سایر ملل جهان گردیده است. سلام بر توای حضرت خورشیدای جاری ترین نور در تاریکی زمان، ای چراغ هدایت و کشتی نجات.

کلام آخر آنکه، مطالعه سیره علمی و عملی رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین علیهم السلام می‌تواند در مسیر حیات اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی مادر بر خورد با قدرت‌های جهانی، مایه الهام باشد.

هدایت و ارشاد

یکی از رسانتهای توحیدی پیامبر مکرم اسلام (ص) هدایت و ارشاد است. رسول اکرم (ص) همینکه به رسالت مبعوث گشت و فرمان «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» فرارسید دیگر آرام و قرار نداشت. ابتدا با همکاری علی (ع) یک مهمانی ترتیب داد و چهل و پنج نفر از مردان بنی هاشم را دعوت فرمود. با آنکه سخنان سبک و بی‌اساس ابولهب مجلس را از آمادگی طرح موضوع رسالت خارج ساخت، ولی پیامبر (ص) باز ایستاد و فریاد همان روز مهمانی دیگری ترتیب داده و پیام الهی را به آنان رسانید. سه سال به دعوت غیر علنی پرداخت و در این مدت با فعالیتهای پی‌گیر و با تماسهای خصوصی، گروهی را به آئین اسلام هدایت کرده بود تا اینکه زمان دعوت عمومی فرارسید و این بار بصورت علنی عموم مردم را به یکتاپرستی دعوت نمود.

از همین جا بود که موج مخالفتنا شدت یافته و آزارها شروع شد بطوریکه بلافاصله بعد از اینکه سخنان حیات بخش آن حضرت بر فراز کوه صفا تمام شد عمویش ابولهب بعنوان تهدید دست‌های خود را به سوی سنگی دراز کرد و گفت: مرگ بر تو آیا برای همین ما را به اینجا دعوت کرده‌ای؟! هر چه تعالیم آن حضرت در جامعه راه می‌یافت خصومت سران قریش نسبت به آن حضرت بیشتر می‌شد.

می‌گفتند ساحر است، کاهن و جادوگر است که میان فرزند و پدر و زن و شوهر اختلاف می‌اندازد. بعضی می‌گفتند دیوانه است، شکمبه شتر بر سرش ریختند و خاکستر بر سر و رویش پاشیدند ولی آن حضرت با صبر و



پاکی و تهذیب نفس می‌دانستند و به صورت مختلف این اصل را یادآور می‌شدند. روزی در قالب تمثیلی زیبا و رسامیته را چنین بیان فرمودند:

«مثل آنچه که من برای آن مبعوث شده‌ام (هدایت و ارشاد) مانند باران است که در مناطق مختلف فرو می‌ریزد، برخی از سرزمین‌ها پاک و آماده‌اند که آب را در خود نگه میدارند و گیاه می‌روایند و برخی از سرزمین‌ها مانند سنگستان سخت و سفت‌اند که آب در آنها نفوذ نمی‌کند بلکه روی زمین جمع شده و مردم برای آسامیدن و آبیاری کشتزار خود از آن استفاده می‌کنند و برخی از سرزمین‌ها کویر و شن‌زارند که نه آب روی خود نگه می‌دارند و نه گیاه می‌روایند، این مثل بازگو کننده حال افرادی است که در زیر بارش هدایت‌ها و ارشادهای من قرار می‌گیرند و از جهت برخورداری و عدم برخورداری متفاوت‌اند.»

رسول مکرم اسلام (ص) در تعلیم و تربیت به نکات چندی تأکید بیشتری داشتند که از آن جمله است موارد زیر:

۱- اخلاص: رسول اکرم (ص) به پیروی از وحی الهی که فرمود: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»^(۷) اخلاص را بزرگترین رکن دین می‌شمرد و می‌فرمود: «أَلَمَّا بُنِنْتُ الْإِنْسَانَ عَلَيْنَ بَنِيَاتِهِمْ» مردم بر حسب نیت‌های خود در روز قیامت محسوس می‌گردند. می‌فرمود «اگر کسی علم را برای غیر خدا فراگیرد و غیر خدا را هدف قرار دهد، جایگاه او در آتش خواهد بود. فرمود: اگر کسی علم و دانش را از آن جهت بیاموزد که بخواهد با دانشمندان دیگر بسنجد، و با بر سفیهان و سبک مغزان فخر فروشد و با آن را وسیله جلب نظر مردم به خویش قرار دهد، جایگاه او از آتش دوزخ آکنده خواهد گشت.»

۲- علم توأم با عمل: رسول مکرم اسلام (ص) بر توأم بودن علم با عمل تأکید فراوان داشتند و آن دو را بدون یکدیگر موجب فساد می‌دانستند. علی (ع) به نقل از پیامبر (ص) می‌فرماید که علما و دانشمندان از دو دسته تشکیل می‌شوند: یک دسته که علم و آگاهی خود را بکار گرفته و بر طبق آن عمل می‌کنند. اینگونه دانشمندان در روز قیامت از عواقب سوء معصوم هستند. دسته دوم که بر طبق علم خود عمل نمی‌کنند. این گروه از علم‌ها دچار هلاکت و نابودی شده و بگونه‌ای در روز قیامت محسوس می‌شوند که دوزخ‌های هم از بوی بد و تعفن وجود اینگونه دانشمندان فاقد عمل، رنج و آزار می‌بینند.^(۸)

۳- ملائمت و نرمش: پیامبر اسلام (ص) فرمود: «معلم و آموزگار باشید ولی در تعلیم خود سخت گیر نباشید و مسئله تعلیم را بر مردم ناهموار نسازید»، فرمود «نسبت به کسی که به وی علم می‌آموزید و یا از او علم فرا می‌گیرید نرم و ملایم باشید.»

۴- فروتنی: خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خود فرمود «پَر و بال خویش را برای پیروان خود که با پایمردی در ایمان، به تو اظهار علاقه می‌کنند فروخته ساز و نسبت به آنان متواضع و فروتن باش»^(۹) و رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا» خداوند متعال به من وحی فرمود که به شما اعلام کنم تا تواضع را پیشه خود سازید. برآستی آن بزرگوار تجسم عینی این تواضع و فروتنی بود، چنانکه همواره بدون اینکه از خود ذلتی نشان دهد متواضع بود و بین خود و دیگران امتیازی قائل نمی‌شد تا آنجا که ابوذر رحمة... علیه می‌گوید: هرگاه شخصی غریب وارد مجلس می‌شد آن حضرت را نمی‌شناخت، تا اینکه می‌پرسید کدامیک از شما محمد(ص) است.

۵- انتخاب صبح برای تعلیم و تعلم: رسول... (ص) می‌فرمود «ساعات بامدادان، لحظات مبارک و پربرکتی است». در جای دیگر فرمود: در لحظات

حوصله و استقامت در برابر طعنه‌ها و نیش زبانهای منافقین و کفار و دیگر مخالفین ایستاده و با تمام قدرت به انجام رسالت خویش و ابلاغ پیام الهی ادامه داد، نه تنها با شور و شوق از هر فرصتی برای هدایت مردم استفاده می‌فرمود بلکه از اعماق جان از کفر و عناد مردم رنج می‌برد و در آتش غم جدا افتادن خلق از سرچشمه هستی می‌گذاخت به گونه‌ای که نزدیک بود جان خود را از شدت اندوه از دست بدهد تا آنجا که خدای متعال در این باره خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»^(۱۰) ای رسول قرآن را بر تو نازل نکردیم که خویش را به رنج افکنی و باز بار دیگر وحی نازل شد «فَلَعَلَّكَ بَأْنِيعٍ نَفْسِكَ عَلَيَّ أْتَاهُمْ إِنَّ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْخَدِيثِ آتَفَاءً»^(۱۱) ای رسول نزدیک است که اگر امت به قرآن ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آن هلاک سازی.

علی (ع) چگونه تبلیغ پیامبر اکرم (ص) را چنین توصیف می‌فرماید: «پیامبر چون طیب سبّار بود که با طَبش در میان مردم می‌گشت در حالیکه داروها و مرهم هایش را فراهم آورده و نیشتر و ابزارهای دیگرش را چنانکه شاید و باید آماده کرده بود. هر جا که لازم بود مرهمها و ابزارهای داغ کرده را بر روی آن می‌نهاد. جاهای مجروح و نیازمند به معالجه عبارت بودند از دل‌های کور و گوشه‌های کُر (از شنیدن حق) و زبان‌ها لال (از گفتن حق) این طیب روحانی بوسیله دوا و معالجه خود بیماریهای غفلت و نادانی و حیرت و سرگردانی را معالجه می‌نموده. موسم حج که فرا می‌رسید اعراب در نقاط مختلفی اجتماع می‌کردند، پیامبر (ص) در نقطه بلندی قرار گرفته، به تبلیغ و ارشاد می‌پرداخت و می‌فرمود: «به و حدانیت خدا اعتراف کنید، تا رستگار شوید با نیروی ایمان می‌توانید زمام قدرت جهان را بدست گیرید و تمام مردم را زیر فرمان در آورید و در آخرت در بهشت برین جای‌گزینید.» با رؤسای عرب تماسهایی می‌گرفت و از همه آنها منزل به منزل دیدن به عمل می‌آورد و حقیقت دین خود را به آنها عرضه می‌داشت، و البته ابولهب هم بیکار نمی‌نشت و از پشت سر حضرت حرکت می‌کرد و می‌گفت: مردم سخن او را باور نکنید زیرا او با آئین نیاکان شما سر جنگ دارد و سخنان او بی پایه است، مخالفت وی تبلیغات حضرت را درباره سران قبائل کم اثر می‌نمود آنها با خود می‌گفتند: هرگاه آئین وی صحیح و ثمر بخش بود هرگز خویشان او با او به جنگ بر نمی‌خاستند. اما ایمان رسول خدا (ص) به رسالت خویش بالاتر از آن بود که با این قبیل حرف‌های میدان را خالی کند بلکه با عشق و نشاط خاصی به دعوت و تبلیغ خویش همچنان ادامه می‌داد و با روشها و طرق اعجازآمیز خود به انجام این وظیفه الهی می‌پرداخت. امروز جمهوری اسلامی ایران نیز وظیفه‌های سنگین و رسالتی خطیر و فراگیر بر دوش دارد. تشنگان حقایق اسلام ناب محمدی (ص) در قاره‌های آسیا، اروپا، آمریکا، آفریقا و استرالیا فراوانند. بایستی امکانات نشر فرهنگ نبوی (ص) را با استفاده از تمامی ابزارهای موجود گسترش داد و این فرهنگ جهانی را در گستره ارض عمق بخشید.

تعلیم و تربیت از دیدگاه پیامبر اعظم (ص)

تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر وحی الهی یکی دیگر از رسالت‌های توحیدی بوده و می‌تواند مبنایی برای فرهنگ جهانی به شمار آید. رسول اکرم (ص) در تعلیم و تربیت و هدایت و ارشاد، بیش از هر چیز به پاک‌ی و صفای قلب اهمیت می‌دادند تا آنجا که میزان نفوذ تعلیم الهی را در دل‌ها منوط به این



مركب بی زین و برگ سوار می شد و یک نفر را هم پشت سر خود سوار می کرد. علی (ع) می فرماید: «پیغمبر اکرم (ص) به حدائق غذا و بهره مندی از مواهب دنیا قناعت می کرد و به دنیا دل نمی بست از حیث شکم گرسنه ترین مردم بود کم می خورد و کم می نوشید و جامه های بسیار ساده می پوشید».

روزی بر حصیر آرمیده بود حصیر بر پوست بدن حضرت فرورفته و نقش نهاده بود یکی از یاران به حال پیغمبر (ص) رفت آورد، از آن حضرت اجازه خواست تا چیزی بر حصیر افکند فرمود: «مرا با دنیا چه کار؟ وضع و حال من و دنیا نیست مگر همچون سواری که به زیر سایه درخت اندکی می ماند و پس بر می خیزد و درخت را ترک می کند و راه خود را پیش می گیرد و روانه می شود.» (۱۲)

می فرمود «خوشبخت ترین مردم در نظر من مؤمنی است که متعلقش کم و از نماز بهره مند باشد، از روزی بعد کفاف قناعت کند و با آن بسازد تا به خدای خویش برسد و خدای را به خوبی پرستش کند.» (۱۳)

رسول اکرم (ص)، درس بی آیشی و ساده زیستی را عملاً به خانواده و یاران خود نیز آموخته بود. چنانکه روزی سلمان به خانه دختر پیامبر (ص) آمد. فاطمه (س) چادری بر سر کرده بود که از چند جا پاره خورده بود. سلمان تعجب کرد و سخت اندوهگین شد که چرا باید چنین باشد؟ مگر او دختر پیشوای عرب و همسر پسر عموی رهبر مسلمانان نیست؟ سلمان حق داشت زیرا او شاهد زندگانی اشراف زاده های ایران و شکوه و جلال چشمگیر آنان بود. چون فاطمه (س) بدیدن پدر آمد گفت: پدر سلمان از چادر وصله خورده من تعجب کرد. بخدا پنجسال است من در خانه علی (ع) بسر می برم و تنها پوست گوسفندی دارم که روزها شترمان را بر آن علف می خورانم و شب روی آن می خوابم.

کار و کوشش

یکی دیگر از ویژگیهای پیامبر اعظم (ص) که مسلمانان در گسترش و انتشار آن باید بکوشند و از تفکرات آن حضرت سرمشق بگیرند تا سرآمد جهان در علم و تمدن و تکنولوژی شوند همین کار و کوشش است. چرا باید در عصر حاضر زاین، آمریکای شمالی، اروپای غربی، پیشوای ترقی و پیشرفت جهان محسوب شوند، چه شده است مسلمانان عصر حاضر با آن همه قدمت تاریخی و فرهنگ دجار عقب ماندگی و بدبختی شدند، به طور حتم و یقین از آموزه های مسلمانان برای رسیدن به قله های پیشرفت و ترقی و آماده نمودن زمینه حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) پیامبر مکرم (ص) را الگو و سرمشق قرار داده تا بتوانیم به اهداف عالی انسانی و اسلامی دست یابیم رسول مکرم اسلام (ص) از دوران کودکی پرتحرک و علاقه مند به کار و فعالیت بود حتی زمانیکه نزد حلیمه سعیده بود روزی از او پرسید که برادرانم به کجا می روند؟ حلیمه پاسخ داد گوسفندان را به چراگاه می برند. فرمود من هم از امروز با آنها خواهم رفت. در طول زندگی دیده نشد روزی را به بطالت بگذرانند، کارهای شخصی خود و اموری که مربوط به خانه بود شخصاً انجام می داد و در مقام نیایش عرض می کرد: «خدایا از بیکارگی و تنبلی و زبونی به تو پناه می برم» و مسلمانان را به کار کردن تحریض نموده، می فرمود: «خدا کارگر امین را دوست دارد و عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین آنها کسب حلال است». می فرمود: کسیکه در امور دنیا نیایش کند و بیجان باشد، در امور آخرتش کسل تر خواهد بود. و فرمود: مُلْعُونٌ مَنْ لَمْ يَنْتَهِ كَلْفُ النَّاسِ. هر کس بیکار بگردد و خرج خود را بدوش مردم

صبحگاهی، جویای دانش باشید، زیرا از پروردگار خویش در خواست نمودم که برای امت و پیروان من لحظات خیر و برکت را در صبحگاهان تعیین فرماید. **ع-سئوال و پرسش:** به پیروی از قرآن کریم که می فرماید: فَاسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^(۱۴) به سئوال و پرسش توصیه نموده، می فرمودند: «علم گنجینه هایی است که کلید آن پرسش است. بپرسید تا خدا بر شما رحمت آورد، که خدا در کار علم چهار کس را پاداش می دهد، پرسنده و آموزگار و شنونده و کسی که دوستدار ایشانست».

۷-پرهیز از مجادله: روزی پیامبر اکرم (ص) بر جمعی وارد شدند در حالی که آنها راجع به یکی از مسائل دینی سرگرم بحث و مجادله و ستیزه گری بودند. رسول خدا(ص) با مشاهده آن وضع چنان خشمگین شدند که شدت غضب آن حضرت برای آنان بی سابقه بود فرمودند: «ملت هایی پیش از شما به علت جدال و ستیزه جویی، گرفتار انحطاط و نابودی شدند، از ستیزه جویی دست بردارید، زیرا یک فرد با ایمان با کسی به جدال و ستیزه بر نمی خیزد، ستیزه جویی نکنید، چون ستیزه جو سخت زیانکار است، جدال را کنار بگذارید، زیرا من در روز قیامت از ستیزه گر شفاعت و وساطت نمی کنم. برآستی همین بگو مگویا بین دولتمردان کشورهای اسلامی که باعث موفقیت کشورهای امریالیستی و صهیونیسم جهانی و سیطره هر چه بیشتر آنها بر منابع و معادن خصوصاً طلای سیاه یعنی نفت در منطقه خاورمیانه می شود، درحالی که اگر اتحاد و اتفاق به جای اختلاف و تفرقه در بین یک میلیارد و چهارصد میلیون مسلمان گسترش یابد و بر اساس آیه قرآن «مُخْتَلَفٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أُيُّدُهُ» عَلِيُّ الْكُفَّارِ حُمَاهُ بَيْنَهُمْ» محمد رسول خداست و یاران و پیروانش بر کافران سختگیر و بین خود رنوف و مهربان باشند و به طور قطع و یقین پیروزی با مسلمانان است.

سادگی و بی آیشی

یکی دیگر از روشهای والای اخلاقی و کمالات پر عظمت و شگفت انگیز پیامبر اعظم (ص) سادگی و بی آیشی است. اگر می خواهیم این روحیه در بین عامه مردم و جهانیان گسترش یابد و از کانون به اطراف و گستره جهان پخش شود همه سرمداران معالک اسلامی و مدیران جوامع اسلامی باید به تأسی از پیامبر خود الگویی عملی از مصادیق و ویژگیهایی باشند و به قول قرآن «مردم را با غیر زبانتان به سوی خدا فراخوانید یعنی با عملها بیانات» بنابراین در جغرافیای کسب بردی انسان همواره مشتاق و ادامه دهنده نوآوریها و دریافت کننده پدیده های تازه است. رسول اکرم (ص) زندگی ساده و بی آیشی داشته و زوائد معیشت را از زندگانی خود حذف نموده بودند. با وجود اینکه با کوچکترین اراده می توانستند خزانن عالم را در اختیار داشته باشند ولی قناعت و سادگی را پیشه خود ساخته بودند. امام محمد باقر (ع) می فرماید: فرشته ای خدمت رسول اکرم (ص) آمد و گفت ای محمد خدایت سلام می رساند و می فرماید: اگر می خواهی، سرزمین مکه را برای تو از طلا بر سازم. رسول اکرم (ص) سر به سوی آسمان بلند کرده و عرض کرد: خدایا! این حال برای من بهتر است که یک روز از غذا سیر شوم و سباسبگراری ترا کنم، و روز دیگر گرسنه بمانم و از تو گدائی کنم. حضرت باکمال تواضع در روی زمین می نشست زیر اندازش حصیر بود، بالشی از چرم که درویش را از لیف خرما نباشته بود زیر سر می نهاد. قوت غالبش نان جوین و خرما بود و هرگز ۳ روز متوالی از نام گندم سیر نخورد. عایشه می گویند: گاهی یک ماه بر ما می گذشت و دود از مطبخ ما بلند نمی شد، به

بیان هیچ خطیب، توانایی ادای حق مطلب در وصف ابعاد شخصیت و خلق خوی پیامبر اسلام را ندارد. با وجود این به قول شاعر:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

تشنگان حقیقت و دریافت کنندگان سیره نبوی فراوانند امیدوارم علاقه‌مندان به قرآن و عترت و اهلیت علیه السلام این راه جاودانی و ماندگار را جهت رسیدن به اخلاق متعالی اسلامی و انسانی تا سیر الی... ادامه دهند.

منابع و مأخذ

- ۱- جنتی، احمد، ترجمه تحف العقول، انتشارات اسلامی.
- ۲- جغرافیای آموزش و پرورش، سال سوم دبیرستان.
- ۳- اسادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۶.
- ۴- شکوهی، یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، مبانی و روشها، مراکز تربیت معلم.
- ۵- شکوهی، حسین، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، آستان قدس رضوی.
- ۶- شکوهی، حسین، اندیشه‌های نور فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۷۷، گیتاشناسی.
- ۷- شکوهی، حسین، اندیشه‌های نور فلسفه جغرافیا، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۸۴، گیتاشناسی.
- ۸- رهنما، زین العابدین، ترجمه و تفسیر قرآن، ص ۷۵.
- ۹- قرآن کریم، سوره طه آیه ۲، سوره کهف آیه ۶.
- ۱۰- اقبلی، حاج شیخ عباس، منتهی الآمال جلد اول، موسسه انتشارات هجرت.
- ۱۱- انصاری، محمد، تاریخ تجلیی اسلام، دفتر نشر معارف، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۱.
- ۱۲- نهج البلاغه، سخنان امیر المؤمنان، ترجمه محمد دشتی زاده، خطبه ۸۹ ص ۷۲.
- ۱۳- نهج البلاغه، سخنان رسول اکرم، ص ۱۱۴.
- ۱۴- مجلسی، علامه محمد باقر، حیوة القلوب جلد ۳، انتشارات سرور، ۱۳۸۲.
- ۱۵- مجلسی، علامه محمد باقر، تاریخ چهارده معصوم (ع)، انتشارات سرور ۱۳۷۶.
- ۱۶- مطهری، استاد شهید مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا.
- ۱۷- مطهری، استاد شهید مرتضی، سیره نبوی، انتشارات صدرا.

پی نوشت

- ۱- انتشار و گسترش یک نوآوری و یک پدیده در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان، پخش و تراوش گفته می شود.
- ۲- تئوری پخش ابتدا در سال ۱۹۵۳، به وسیله نورستن هاگراسترند جغرافیدان سوئدی در دانشگاه لاند منتشر گردید و برای اولین بار با او همکاران خود نظریه پخش را در زمینه گسترش نوآوریها و... بکار گرفت.
- ۳- نهج البلاغه، خطبه ۸۹، ص ۷۲.
- ۴- ترجمه و تفسیر قرآن، زین العابدین رهنما، ص ۷۵.
- ۵- سوره طه، آیه ۲.
- ۶- سوره کهف، آیه ۶.
- ۷- سوره انعام، آیه ۱۶۲.
- ۸- اصول کافی، جلد ۱، ص ۵۵.
- ۹- شعرا، آیه ۲۱۵.
- ۱۰- سوره نحل، آیه ۴۳.
- ۱۱- سوره فتح، آیه ۲۹.
- ۱۲- الطبقات الکبری، جلد ۱، ص ۴۶۷.
- ۱۳- نهج الفصاحه، ص ۱۱۴.

بیتادز ملعون است. بنابراین مشاهده می شود که «کار» و «کوش» در تعالیم عالیه پیشوای بزرگوار اسلام و انمه هدی (ع) صرفاً یک وظیفه از روی ناچاری نیست، بلکه اگر نیاز مالی هم نباشد باز کار از نظر سازندگی انسان مفید و لازم بود. در شکوفا ساختن انواع استعدادها و تواناییهای بالقوه او بسیار مؤثر و مهم است. امام زمان (ع) در دعای خود می فرماید: «و عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِأَلْبُهُدٍ وَ الرُّغْبَةِ خُدَايَا وَ دَانِشْجَوِيَانِ وَ فَرَاغِرِيَانِ عِلْمِ مَا، تَلَاشِ وَ اِسْتِیَاقِ عَنَايَتِ بَغْرَمَا، بِقِيَتَا اِگَر تَلَاشِ وَ جِهْدِ مَتَخَصِّصِيْنَ مَا بَه صَوْرَتِ شِبَانِه رُوْزِي نَبُوْدِ مِي تَوَاسْتِيْمِ بَه تَخْوَلُوْزِي هَسْتَه اِي دَسْتِ يَابِيْم؟ بِنَابِرِيْنِ كَسْتَرَشِ وَ پَخْشِ پَدِيدِه فَرْهَنْگِي «نَلاش» وَ «كُوش» وَ رُوْحِيه خَسْتَنْگِي نَابَذِيْرِي دَر بِيْنِ كُشُوْرَهَايِ مَسْلَمَانِ خُصُوْصاً مَحْقَقِيْنَ وَ اَنْدِيْشْمَنْدَانِ مِي تُوَآند اَسْبَابِ اسْتِفْلَاقِ وَ خُوْد كَفَايِي رَا دَر هَمِه عَرَضَهَا بَرَايِ جُوَاعِمِ اِسْلَامِيه بَه اَرْمَغَانِ اُوْرِد.»

مغتنم شمردن عمر و از دست ندادن فرصت

پیامبر (ص) به طرق مختلف مسلمانان را به درک ارزش عمر خود دلالت و به استفاده بیشتر از آن توصیه می نمود. تا فرصت از دست نرفته، در پخش رسالتهای توحیدی و گسترش آن همت به خرج داد و از همه امکانات مادی و معنوی در به ثمر رسیدن ایده‌های اولیاء... سود جست که فرهنگ اسلامی فرهنگ جهانی گردد. رسول... (ص) می فرمود: من تعجب می‌کنم از اولاد آدم وقتی که مالش زیاد می‌شود خرسند می‌گردد و اگر کم‌شود سخت‌مخزن می‌شود ولیکن وقتی شبانه روز بر او می‌گذرد و عمرش را کوتاه می‌کند غمگین و ناراحت نمی‌شود. بداند که بی نیاز و راحت نمی‌گردد کسی که مالش زیاد شود و عمرش کوتاه باشد. می فرمود: فرشته الهی هر شب به جوانان بیست ساله ندا می‌دهد کوش و جدیت کنید و برای نیل به کمال و سعادت خود مجاهد نمائید. بر مرد با ایمان لازم است که از نیروی خود به نفع خویش، از دنیا بخواهد برای آخرت خویش و از جوانی خود پیش از فرامیدن ایام بیری، و از زندگی خود پیش از رسیدن مرگ استفاده کند. به ابودر فرمود: ای ابودر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بشمار. جوانیت را قبل از پیری، سلامت را قبل از بیماری، تمکنت را قبل از تهیدستی، فراغت را قبل از گرفتاری، زندگانی را قبل از مرگ. می فرمود: هر کس بر رویش در خیری گشوده شد، آنرا غنیمت بشمارد، و از فرصت استفاده کند، پیرا نمی‌داند چه وقت آن در به رویش بسته می‌شود. در ایام زندگی شما، لحظاتی فرا می‌رسد که در معرض نسیم حیات بخش الهی قرار می‌گیرید، و فرصت مناسبی بدست می‌آورد بکوشید که از آن فرصتها استفاده کنید و خویش را در مسیر فیض الهی قرار دهید.

نتیجه

کتاب فصل ترا آب بحر کافی نیست

که سرانگشت تر کنم و صفحه بشمارم
پیامبر گرامی اسلام به حق شخصیتی بی همتا در طول تاریخ بشریت است. شخصیتی که همچون خورشید تابان در آسمان انسانیت می‌درخشد و کالبد ارزشهای والای اخلاقی و کمالات و سجایای انسانی را روح می‌بخشد. الگویی به تمام معنا از جمیع کمالات و امتیازاتی که یک انسان در همه ابعاد وجود خود می‌تواند داشته باشد در زندگی پر عظمت و شگفت‌آمیز آن حضرت ترسیم شده است که برای همیشه چون مشعلی فروزان فرا راه آدمیان بر تو افشانی می‌نماید. هر چند قلم هیچ نویسنده و